

جنگ رئال و نشان دادن انتزاعی آن به جامعه

مجید حداد

مدتی است که این مطلب ذهن مرا مشغول کرده است؛ استفاده از جنگ و مبارزه بی امان که در آن گرفتاریم و چهره سازی و دروغ پردازی آن به وسیله نظام سرمایه داری و برداشتها و سو استفاده تبلیغاتی نظام سرمایه از جنگ و مبارزه و تاثیر این تبلیغات.

اسلحه ها را زمین نگذاشته اند

امروزه زیبایی در مسایل انتزاعی معنا پیدا کرده است و برای لذت بردن از مسایل دردناک با عینک انتزاع بر آنها نگریسته می شود، این مسئله و دوری از واقعیت در تمام سطوح جامعه رسوخ کرده است و به روزمرگی اکثریت انسان ها نفوذ کرده است و این مسئله را مدیون تبلیغات هدفدار رسانه های سرمایه داری هستیم که روزمرگی که مملو از جنگ و مبارزه بین طبقات اجتماعی است را به صورت انتزاعی و غیر واقعی جلوه می دهد و عینکی به ما هدیه می دهد که روزمرگی را به صورت زیبا تر و مملو از احترام به حقوق و برابری انسان ها و در نهایت آزادی ببینیم ولی به سادگی می توان به دور از این عینک جنگ و خون و سرکوب را در روزمرگی دید ولی کشته شدگان این برخوردها انسان ها نیستند بلکه اندیشه ها و تفکرها هستند، ترورهای خیابانی و اعدام ها و تیرباران ها جان اندیشه ها را در جامعه می گیرند، امروز اسلحه ها هم باز همان رسانه ها و تریبون ها و سخنگویان پر شور و معترضین دروغین هستند، این اسلحه ها می توانند در ثانیه هزاران ذهن را شهید کنند، نه شهید نمی کنند بلکه مسموم میکنند و به بیماری مثری ابتدال دچار میکنند و در این راه از هر چیز و کسی که بتوانند استفاده ابزاری می کنند، حتی از انسانیت نیز استفاده ابزاری و سود جویی می کنند.

زنهای که با مردها برابرند اما مردها برابرترند و باید برابرتر بمانند

استفاده ابزاری از زن را به راحتی در صدا و سیمای ایران و حتی رسانه های خارجی شاهدیم که به زور می خواهند به خورد ما بدهند که آزادی زن در جامعه وجود دارد و هیچ نوع تبعیضی نیست، این را در تمام سریال ها و برنامه های گفتگو در صدا و سیما می بینیم جاری

است ولی نکته قابل ذکر این است که همین تصاویر بدون هیچ دیالوگ و گفتگویی خود حاکی تبعیض جنسیتی است و حتی در مورد طرح امنیت اجتماعی (به تعبیری طرح افول امنیت اجتماعی) که خود نماد بارز این تبعیض است به زور می خواهند بگویند که زنان و دخترانی که با آنها برخورد می کنند باعث ابتذال در جامعه اند و این طرح برقرار کننده جامعه ای سالم است ولی کاملاً مشخص و بارز است که این روند سرکوب و مرعوب کردن جامعه است.

و در رسانه های خارجی نیز با استفاده ابزاری از مسائل جنسی، زن را تبدیل به کالا کرده اند و اسم این را می گذارند آزادی زن و انسانیت را برای زن به کلی حذف کرده اند، زن کالای است که در تبلیغات نظام سرمایه نقش بسیار مهمی را ایفا می کند و زن را به برده ای برای استفاده یا بهتر است بگوییم سوء استفاده تجاری به نفع سرمایه داران تبدیل می شود.

قهرمان سازی و دروغ معنا کردن قهرمانان

رسانه ها به وسیله بلد و چهره کردن اشخاص و قهرمانان و در نهایت دروغ معنا کردن آنها جامعه را مسموم می سازند. نظام سرمایه برای از بین بردن هر نوع اعتراضی و برای سرکوب و عوام فریبی هر چه تمام تر و تبدیل کردن اندیشه های اعتراضی به اندیشه های بی خطر دست به هر کاری می زند، این مطلب برای من یاد آور دعوت از فرزندان فرمانده "چه" به ایران است!

انتزاع و برداشت غیر واقعی دامان "چه" را نیز گرفت، "چه" امروزه به همت رسانه ها و تبلیغات بورژوازی برای ما تبدیل به چهره های رمانتیک و قهرمان قصه ها که به جای شاهزاده خانم به دنبال چیزی عجیب و غیر واقعی به نام آزادی بوده و دیو سیاه قصه که همان آمریکا است برای ازدواج با این شاهزاده خانم که اسمش آزادی است به مبارزه می طلب و در نهایت قهرمانانه جان می دهد. "چه" دیگر یاد آور هیچ نوع اندیشه و ایدئولوژی اعتراضی و آزادی خواهانه نیست اصلاً می توانیم بگوییم که "چه" دیگر "چه" نیست. البته این کار تنها با "چه" نشده بلکه "چه" نمونه کوچکی از این روال داستان سازی است.

ولی در شرایط حاضر فقط صدا و سیما نیست که این کار را می کند بلکه رسانه های بسیاری دست به این کار زده اند از جمله این رسانه ها می توان از voa (صدای آمریکا) نام برد که همین روند اسطوره سازی و قهرمان پروری را با فعالین دانشجویی و حقوق بشری می کند که این کار برای ایران بسیار مضر تر از کاری است که با "چه" کرده اند voa با تمام قدرت و سرمایه به اسطوره سازی و غیر واقعی کردن واژه های چون حقوق بشر و آزادی و دمکراسی

زده است که باید اقرار کنم به خاطر منفور بودن اخبار و تحلیل های صدا و سیما به یکی از پر بیننده ترین شبکه فارسی زبان تبدیل شده است و از این فرصت به خوبی استفاده می کند و تبر را محکم تر به ریشه آزادی خواهی در ایران می زند.

استفاده از اعتراض برای سرکوب اعتراض

رسانه های بورژوازی برای سرکوب اعتراض و آزادی خواهی همیشه دست به دامان دروغ پردازی و جریان سازی های دروغین هستند، سخنرانان پرشور و معترضین دروغین را می بینیم و شاید به آنها نیز دل ببندیم اینها همان کسانی هستند که دایه دار اصلاحات مدنی و اجتماعی هستند ولی چندی بعد می فهمیم که این دروغی بیش نبوده و روند سرکوب و مرعوب سازی جامعه با قدرت بیشتری جان می گیرد، گفتگو های داغ اصلاح طلبی که با استفاده از رسانه ذهن همه ما را مشغول به خود کرده است و ما حس همزادپنداری با آنها می کنیم و دل به وعده ها و اعتراضات آنها می بندیم ولی نمی دانیم که تبر را بادت خود به تنه مبارزه می زنیم.

استفاده ابزاری از تفکر علیه تفکر

در صدا و سیما ایران جنبشی وجود دارد که در آن با خورد کردن و به سخره گرفتن تفکر دست به تخریب و کند سازی مدرن شدن و عقل محوری جامعه دست می زنند و برای نگه داشتن نهاد کهنه سنت و ارتجاع در گفتگو های داغ و جنجالی دست به تخریب جایگاه اندیشه زده و به نوعی می خواهند که سنت را مترقی معنی کنند.

اینها چندی از ابزاری هستند که این عینک انتزاع را به ما هدیه می دهند ولی در واقع این ابزار ها از شمارش خارج شده اند و من تنها توانستم اندکی از آنها را بشمارم